

دین پژوهی با رویکرد ادبی

اکرم روشنفکر^۱، سمانه موسی پور^۲

^۱ استادیار دانشگاه گیلان

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان

چکیده

ادبیات ثمره خردورزی ملت‌ها و نمایانگر دانایی و برنایی نسل‌های متواتر جوامع است و پژوهش‌های ادبی نه تنها توانایی پژوهشگران را در دریافت شکل و معانی آثار ادبی بر ملا می‌سازد؛ بلکه میزان فرهیختگی صاحبان آن آثار را هویدا می‌کند. اما گاهی آن پژوهش ضمیمه برنایی پژوهشگری قرار می‌گیرد که دستیابی بدان مستلزم کنجکاوای مضاعفی است تا از لابلای آثار علمی و دینی وی منش ادبی و شیوه پژوهشی او در ادبیات آشکار گردد. در همین راستا می‌توان از استاد مطهری (ره) به عنوان نویسنده‌ای توانا که آثار متنوعی در حوزه معارف دینی برجای نهاد، یاد کرد. با آن که از مجموع آثار استاد مطهری (ره) تنها «داستان راستان» عنوانی کاملاً ادبی دارد، اما سایر آثار وی از جمله «خدمات متقابل اسلام و ایران»، «سیری در نهج البلاغه»، «حماسه حسینی» سرشار از مضامینی است که خط سیر ادب پژوهی استاد (ره) را نمودار می‌سازد. از همین رو پژوهش حاضر درصدد تبیین روش ادب پژوهی استاد مطهری (ره) با تکیه بر آثار مذکور است. روش کار توصیفی - تحلیلی بوده و مهمترین نتیجه کارکرد تاریخ نگاری ادبی در ارائه ی اطلاعات، نقد ادبی در بیان آراء و نظرات اهل اندیشه و پالایش داده های غیرعلمی و تردید آمیز و فن داستان نویسی در بیان رویدادهای تاریخی در این آثار است.

واژگان کلیدی: استاد مطهری (ره)، داستان راستان، خدمات متقابل اسلام و ایران، سیری در نهج البلاغه، حماسه حسینی

۱- مقدمه

استاد مطهری(ره) در مقام پژوهشگری مسلمان آثار بسیاری در بیان اندیشه اسلامی از خود برجای نهاده و در شرح تفکر دینی به موضوعات متنوعی پرداخته است، چنان که کتاب هایش مرجع اکثر اهل مطالعه در منابع اسلامی گردیده و اهل فن نیز از روش کارش بهره شده‌اند. از همین رو نخستین تلقی از شخصیت علمی‌اش بر همین اساس شکل گرفته و بسیاری از مطهری‌شناسان، وی را دانشمندی دینی و فرهیخته‌ای آگاه در حوزه مسایل فنی اسلامی دانسته‌اند. هرچند این برداشت از شخصیت علمی وی کاملاً صحیح است، اما از آن جا که اغلب آثار استاد(ره) با رویکرد دینی مورد مذاقه قرار گرفته، هویت ادبی برجسته‌اش کم رنگ؛ بلکه ناپیدا مانده و از همین رو، کمتر درباره شیوه استاد(ره) در پرداختن به ادبیات سخن رفته است. در حالی که با نگاهی به برخی از آثارش می‌توان به اعتناء چشمگیری در ایفاد مطالب ادبی و ارائه نظر در جایگاه ادیبی مطلع و ناقدی ممتاز راه برد.

۲- ادبیات تحقیق

از جمله آثاری که رویکرد جالب توجه استاد(ره) را به ادبیات ترسیم کرده و اسلوبش را در نقد مطالب ارائه شده، فاش می‌نماید، کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» است. نویسنده در مقدمه‌اش، هدف نگارش را در راستای تبیین رابطه اسلام و ملیت بر شمرده و در آن به شرح تأثیرات مثبت جامعه ایرانی بر پیشرفت علوم اسلامی پرداخته است و در همین راستا از ادیبان و دانشمندانی یاد کرده که جمعی از آنان ایرانی تبارند و به این ترتیب ضمن برخورداری از معلومات تاریخ ادبیات به ایراد سخن راه برده است.

سیری در نهج البلاغه استاد(ره) نیز افزون بر ارائه زاویه دید علمی به سخنان مولای متقیان (ع)، شامل داده‌هایی شایان توجه درباره دیدگاه ادیبان معاصر نسبت به نهج البلاغه است که دامنه مطالعات ادبی او را ترسیم می‌کند و زمینه مناسبی برای درک دغدغه‌های علمی و ادبی‌اش در حماسه حسینی به شمار می‌آید. با آن که گمان می‌رود، رویکرد استاد(ره) به ادبیات در انحصار سه کتاب یاد شده باشد، اما توجه وی به حوادث تاریخ اسلام زمینه نگارش داستان‌هایی تاریخی را در دو مجلد «داستان راستان» فراهم آورد که مهارت کاربرد فنون ادبی وی را هویدا می‌سازد.

۳- پرسش تحقیق

از همین رو پژوهش حاضر با پرسشی دایر بر نحوه رویکرد ادبی استاد مطهری(ره) در کتاب‌های یاد شده، به روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است.

۴- پیشینه تحقیق

در بیان پیشینه پژوهش می‌توان به « مفاهیم، اصطلاحات و تعابیر علوم انسانی، دینی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری» اثر محمد علی ذکریایی و « فضایل امام علی (ع) در آثار شهید مطهری» اثر سید محمدتقی حسینی منش و « تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری» اثر سید سعید روحانی اشاره کرد و از پایان نامه نصرت نصر آبادی با عنوان « تربیت و اخلاق از نظر شهید مطهری و ویلیام جیمز» (دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی) و بهمن احمدزاده « زن در اندیشه استاد مطهری» (دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی) یاد نمود.

۵- بحث و بررسی**۱-۵- تاریخ نگاری ادبی در «خدمات متقابل»**

تاریخ نگاری ادبی، بررسی دگرگونی‌های میراث ادبی با ذکر ویژگی‌های آن‌ها و معرفی شاعران و نویسندگان آثار ادبی است. زمینه و چگونگی پیدایش یک اثر ادبی در تاریخ نگاری ادبی پژوهش می‌شود. (وندل، ۱۳۷۴: ۵۴۹) نویسندگان تاریخ ادبیات عربی در روش سنتی نگارش خویش را کمابیش با سایر علوم ادبیات مانند نقد ادبی و بلاغت می‌آمیختند، اما تاریخ نگاران دو

سده اخیر شیوه‌های تازه و معینی را که از سوی خاورشناسان به کار گرفته شده، پیش روی خود قرار داده اند و از این رهگذر کتاب‌های ارزشمندی را در صورتی نو بر جای نهاده اند. آنان با بهره‌گیری از شیوه‌های تازه، مباحث‌شان را در ارتباط با تاریخ نگاری ادبی عرضه داشته‌اند. در همین راستا پژوهش‌های تاریخ ادبیات با در نظر گرفتن دوره‌های سیاسی، مکاتب ادبی، تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی بر ادبیات، شرح اوضاع فرهنگی جامعه و نقش آن در تعیین مشخصات ادبی کانون توجه قرار گرفته است.

استاد مطهری (ره) نیز در «خدمات متقابل» به تاریخ نگاری ادبی توجه نموده است. در همین راستا روش متفاوت وی در پردازش مسائل ادبی شایان اعتناء است. او با تلفیق آثار ادیبان پیشین و نظر خاورشناسان معاصر، نگاهی نو در تاریخ ادبیات ایجاد نمود و بر اساس آن به دسته‌بندی و تحلیل داده‌های تاریخ ادبیات در «خدمات متقابل» همت گماشت. نویسنده به سبب آشنایی با مکاتب گوناگون فکری و ادبی استعداد کاملی در بهره‌مندی از آثار تاریخ ادبیات عربی از خود نشان داده و در کتاب شناسی تاریخ ادبیات از منابع ارزشمندی مانند «الفهرست» اثر ابن ندیم، «وفیات الاعیان» اثر ابن خلکان، «فتوح البلدان» اثر البلاذری و «تاریخ آداب اللغه العربیه» جرجی زیدان غفلت نکرده و «الآغانی» اثر ابو الفرج اصفهانی و «الکامل» ابن اثیر را مورد توجه قرار داده و توشه علمی کتابش را پربار ساخته است.

استاد (ره) در زمره نویسندگانی است که آثارش را با تکیه بر مطالعه‌ای ژرف در آثار گذشتگان و تجزیه و تحلیل نظرات سایر صاحبان تألیف پدید آورده و مطالبش را افزون بر مطالعه آثار نویسندگان کلاسیک عرب و با استفاده از نظرات شرق شناسان نوشته است. با این حال گرچه آثار خاورشناسان را در تاریخ ادبیات عربی اغلب ستوده، ولی روش پرداختن آنان را فاقد تحلیل‌های عمیق ادبی شمرده و آن را نقطه ضعف آثارشان دانسته و تلاش کرده تا این کاستی را در آثارش جبران نماید. وی بسا، پس از بیان نظر برخی از تاریخ نویسان ادبیات درباره شخصیت‌هایی ادبی، آن را نقد کرده و ظرفیت آثارش را تا بیان چند جنبه تاریخ ادبیات عربی ارتقاء بخشیده است.

۵-۲ - کارکرد نقد در «خدمات متقابل»

ادبیات عربی امروزه، در گستره وسیعی از نقشه سیاسی جهان کاربرد دارد و ملت‌های بسیاری غیر از عرب زبانان با آن آشنایی دارند و جمعیت زیادی به سبب پذیرش دین مبین واژگان آن را بر زبان می‌رانند. جغرافیای کاربرد زبان عربی اکنون شامل ایران، خاورمیانه عربی و شمال آفریقا؛ آسیای میانه و جنوب شرق آسیا شده و در این کشورها سخنورانی دارد. افزون بر آن که سابقه این کاربرد در جنوب اروپا قابل جستجو است، اما کاربری این زبان به سبب مهاجرت‌های ناشی از شرایط ناگزیر زندگی در عصر حاضر و یا پیشرفت‌های رو به رشد ارتباطات به یک و یا دو قاره متوقف نمانده و تقریباً در تمام مناطق دنیا می‌توان رد سخنی از عربی یافت. البته بسیاری از مستشرقان و پژوهشگران غربی نیز بدان اعتناء داشته‌اند.

استاد مطهری (ره) در میان پژوهشگران معاصر به سبب بهره‌مندی از آموزش‌های عمومی و تخصصی دینی در زمره متخصصانی قرار گرفته که بسان ادیبی کارآمد، توانایی بیان و قدرت استدلالی شگرف را در بسیاری از موضوعات ادبیات عربی، از خود بروز داده و در «خدمات متقابل» با احصاء اندیشمندان مسلمان نه تنها به دانشمندان حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی؛ بلکه به صاحب نظران ادبیات عربی اعم از دست‌نویسان و زبان شناسان، دانشمندان علوم بلاغت و تفسیر قرآن کریم، عارفان و شاعران، تاریخ نگاران ادبیات پرداخته است.

اگر داده‌های «خدمات متقابل» به شکل پلکانی توانایی ساختن هرم دانش را داشته باشد، بی گمان قاعده این اطلاعات پژوهش‌های قرآنی خواهد بود. از آن جا که کلام الله مجید نسخه منحصر به فرد ادبیات عربی است، نویسنده با معرفی جمعی از ادیبان، از افرادی که برای فراهم آمدن زمینه پژوهش‌های ادبی در قرآن کریم کوشش نمودند، یاد می‌کند و در همین راستا از زبان شناسان و دستور نویسان سخن می‌گوید و پیرو هدف کتاب، مشهورترین ادیبان ایرانی را که خدمات شایانی به پیشرفت ادبیات عربی نمودند، برمی‌شمارد، اما از همتایان آنان در سرزمین‌های عربی غفلت نمی‌کند. به این ترتیب افرادی گرد می‌آیند که دیواره نخست هرم دانش مسلمانان، با چیدمان پلکانی آثارشان بر فراز می‌شود.

نویسنده «خدمات متقابل» آنگاه از عالمان بلاغت و اهالی تفسیر که بی‌واسطه از ثمره تلاش‌های گروه نخست در چیدمان دیواره دوم هرم دانش بهره‌مند شدند، یاد می‌کند و در احصاء خبرگان بلاغت و تفسیر از عرب و عجم غفلت نمی‌نماید. وی در ادامه به معرفی شاعرانی می‌پردازد که زوایای متکثر، معرفت دینی و ملی را هویدا ساختند. پس با آسیب‌شناسی داده‌های تاریخی درباره شاعران ایرانی و فرهیختگان مناطق مختلف اسلامی کمک شایانی به معرفی روش پژوهش مورد نظرش در متون ادبی نموده و با جواز تردید در مطالب تاریخی به پژوهشگران پس از خود یاری می‌رساند و راه پالایش مطالب تاریخ ادبیات عربی را به روی ایشان می‌گشاید. در همین راستان می‌توان به اتهام زندیق بودن برخی از ادیبان ادوار گذشته از نظر استاد(ره) اشاره کرد. استاد (ره) در «خدمات متقابل» به شاعرانی اشاره می‌کند که در نسب ایرانی شمرده شده، اما در دیانت هویت شفافی نداشتند و از همین رو باور دینی آنان در زمان حیات شان و یا پس از مرگ شان محلّ تردید قرار گرفته است و در همین راستا از بشار بن برد؛ ابو نواس و عبدالله بن مقفع نام برده و می‌گوید: «به هر حال گروهی در قرون اولیه اسلامی نام برده می‌شوند که برخی ایرانی و برخی عربند و متهم به زندقه بوده‌اند.» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۰۰)

زندیق نزد مسلمانان معانی گوناگونی داشته و نه تنها معتقدان به آیین‌های زرتشتی، مانوی و مزدکی؛ بلکه افراد مشرک، مرتد و منافق نیز در زمره زنداقه خوانده شده‌اند.^۱ (حجتی، ۱۳۸۲: ۱۰) ولی این کلمه از نظر مطهری(ره) در فرهنگ اسلامی و نزد مسلمانان معنای دقیقی نداشته و اغلب به سبب بار معنایی منفی به مخالفان مذهبی اعم از مسلمان و غیر مسلمان نسبت داده شده و اهداف ضداسلامی به همراه داشته است. از همین رو وی درباره ابن مقفع می‌گوید: «منصور دوانیقی خلیفه عباسی و سفیان بن معاویه مهربلی حاکم بصره هر کدام به علت خاصی دشمن عبدالله بن مقفع شدند و سفیان با دستور محرمانه منصور او را کشت و بعد گفتند که اسلام ابن مقفع ظاهری بوده و باطناً زندیق بوده است.» براساس نظر استاد (ره) ابن مقفع مردی دانشمند بوده و کتاب «مانی» را به عربی ترجمه کرد و از برخی نوشته‌هایش بر می‌آید که نسبت به اسلام وفادار بود. ایشان تأکید می‌کند که «بدیهی است که تنها ترجمه کتاب مانی و یا شرکت در حلقات زنداقه دلیل زندیق بودن نیست.» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۰۱).

۵-۳- ادبیات متعهد در «حماسه حسینی»

اخلاق در معارف دینی و تعالیم قرآن کریم حایز جایگاه رفیعی است و اهمیت اخلاق در اسلام بدان پایه است که پیامبر اکرم (ص) از آن به عنوان هدف رسالت خویش یاد کرده و در سخنی دیگر می‌فرماید: «افضلکم ایمانا احسنکم اخلاقا» ترجمه: هرکس از شما اخلاقش نیک تر ایمانش بهتر است. (پاینده، ۱۳۸۳: ش: ۳۴)

نقش شعر و تأثیرات تعلیمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی انکارناپذیری که بر اذهان مستعد می‌نهد، نیز پذیرفته شده (شجاعپوریان، ۱۳۷۶: ش: ۷۶) از همین رو استاد(ره) با صحنه نهادن بر اثر شعر بر روان آدمی و اعتناء به شعر پذیرفته از دیدگاه اسلام، به روایت مأثور از پیامبر اکرم (ص) توجه کرده و می‌گوید: «مسأله شعر را وقتی انسان در اسلام مطالعه می‌کند، مسائل عجیبی را می‌بیند. پیغمبر اکرم (ص) هم با شعر مبارزه کرد و هم شعر را ترویج کرد. با شعرهایی مبارزه کرد که به اصطلاح امروز متعهد نیست. یعنی شعری نیست که هدفی داشته باشد. صرفاً تخیل است. سرگرم کننده است. اکاذیب است. مثلاً کسی شعر می‌گفت در وصف معشوق و زلف او، یا کسی را هجو و شخصیتی را مدح می‌کرد برای این که پول بگیرد. پیغمبر(ص) شدیداً با این نوع شعر مبارزه می‌کرد، ولی باز فرمود: إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةٍ يَعْنِي بَعْضِيَّ مِنْ شَعْرِهِا حِكْمَةٌ اسْت. حقیقت است.» (مطهری، ۱۳۷۰، ج: ۱: ۲۲۵) از همین رو با نگاهی به «حماسه حسینی» می‌توان قایل به دو مجموعه ادبی از نگاه نویسنده بود. دسته نخست آثاری است که ذیل ادبیات متعهد اسلامی با تکیه بر تاریخ و آموزه‌های اهل بیت «علیهم السلام» قرار می‌گیرد و

^۱ پیرامون مفهوم اصطلاحی کلمه زندیق گفته شده است که «زندیق» یعنی کسی که اسلام را اظهار و کفر را پنهان می‌دارد و این یعنی منافق و حتی گفته شده است که تفاوت نهادن بین زندیق و منافق بسیار دشوار است و نیز گفته شده است که زندیق به معنای «منافق» اصطلاح فقها است و این در حالی است که در قرآن و سنت برای این معنا تنها اصطلاح «منافق» کار رفته است. (حجتی: ۱۰-۱۳)

نویسنده در همین راستا از فرزدق، کُمیت، دعبل یاد می‌کند. دسته دوم آثاری است که نتیجه ذوق شعری پدید آورنده بوده و ارتباطی با معارف دینی نمی‌یابد که در همین راستا می‌توان به ابیاتی ذیل کارکرد شعر در عصر اموی یاد کرد.

۵-۳-۱- پالایش ادبیات

هرچند ادبیات متعهد در رویکرد استاد(ره)حایز جایگاه چشمگیر و قابل اعتناء است، اما وی از شایبه‌هایی که به مرور زمان باعث کدورت زلال ادبیات متعهد اسلامی گردیده، غفلت نکرده است. با نگاهی به مجموعه اشعاری که در «حماسه حسینی» ذکر شده و بررسی هندسه ادبیات استاد(ره) در این کتاب درمی‌یابیم که نویسنده در بهره‌مندی از اطلاعات تاریخی، گستره‌ای به وسعت دوره ادبی صدر اسلام و مخضرمان را تا عصر حاضر و قرن بیستم در برابر مخاطب خود می‌گشاید. او در ترسیم جغرافیای اشعار نه تنها خاورمیانه اسلامی؛ بلکه قاره جدید را مقابل خواننده قرار می‌دهد و در روایت مضامین مهارت خود را در استفاده از شعر شیعی و شعر مُجون و پرده دری نشان داده و جامع الاطراف بودن اطلاعات خود را به رخ ناقد آثارش می‌کشد، اما بدان بسنده نکرده و به پرداختن مراثی سالار شهیدان از شایبه‌های سخن ناصواب راه می‌برد و حکمت نام‌گذاری برخی از مراثی را بیان می‌دارد.

خاطر نشان می‌سازد که مرثیه در لغت به معنای گریستن بر عزیز از دست رفته و ذکر محامد وی و اظهار تأسف از درگذشت اوست و «رثاء» یا «مرثیه» در اصطلاح ادبی بر اشعاری اطلاق می‌گردد که در ماتم گذشتگان و تسلاهی یاران و بازماندگان و ذکر صفات پسندیده اش سروده می‌شود. از آنجا که سرودن شعر رابطه مستقیمی با قوه‌ی عاطفه انسان دارد، احساسی که در سوگ افراد دست می‌دهد، باعث گردیده که مرثیه سرایی مورد اعتناء بسیار قرار گیرد. برخی از صاحب نظران آن را غرضی دیرپا در شعر عربی دانسته‌اند. (ضیف، ۱۹۵۵: م ۸) گفتنی است نخستین مراثی مذهبی بر اساس سخن سبط بن جوزی در مصیبت شهادت سیدالشهداء (ع) توسط عقبه بن عمر السهمی سروده شد. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۳۵) نویسنده در نگاهی به مرثیه‌هایی که در محافل روایت گردیده، به عوامل تحریف رویداد حادثه روز دهم محرم سال ۶۱ ق راه می‌برد و از آمیختگی مرواریدهای سخن در گنجینه پرپهای مراثی سیدالشهداء (ع) با ریگ‌های سخنان ناصواب یاد می‌کند و نیاز تشخیص سره را از ناسره در آن‌ها خاطر نشان می‌سازد، چنان که می‌گوید: «نمونه دیگری را در همین مورد که خیلی عجیب است، من در همین تهران ... از یکی از اهل منبر که روضه لیلا را می‌خواند شنیدم... گفت: بعد از این که حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد، نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم برگرداند و در کربلا کشته نشود، از کربلا تا مدینه ریحان بکارد. یعنی نذر کرد سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد! این را گفت و یک مرتبه زد زیر آواز: نذر علی لئن عادوا و ان رجعوا/ لزرعن طریق التفت ریحانا. این شعر عربی بیشتر برای من اسباب تعجب شد، بعد رفتم، گشتم؛ دیدم، این تفت سرزمین مربوط به داستان لیلی و مجنون معروف است.» (مطهری، ۱۳۷۰: ش: ۲۷)

وی در رویکردی دیگر به ذکر عامل روانی وجه تسمیه برخی از مراثی پرداخته و آن را معلول هراس برخی از شاعران از حکومت بنی امیه دانسته و با افشاء سبب نام‌گذاری «مراثی جنیان» شرایط دشوار کارکرد اجتماعی شعر را هویدا می‌سازد. چنان که می‌گوید: «در ق مقام صفحات ۵۰۹ - ۵۱۳ قسمت زیادی از مراثی جنّی‌ها را به صورت شعر نقل کرده است. بعید نیست که این اشعار که سراسر انتقاد و حنین و تحریک احساسات است، از طرف علاقمندان و شیعیان سروده می‌شده و چون از طرف حکومت وقت تحت تعقیب قرار می‌گرفتند لهذا اشعاری که می‌سرودند به نام جنّی منتشر می‌کردند که هم رد گم کرده باشند و هم این که مردم بهتر حفظ می‌کردند.» (مطهری، ۱۳۶۵: ش ۳، ج ۳: ۳۷۶)

۵-۴- توجه به نظرات ادیبان عصر حاضر در «سیری در نهج البلاغه»

استاد(ره) در رویکرد ادبی خود شواهدی را از سخنان ادیبان معاصر درباره مولای متقیان (ع) ذکر نموده که نشانگر افق اطلاعات وی به عنوان متفکری دینی است. او با جمع‌آوری گفتار تعدادی از ادیبان معاصر درباره حضرتش، توجه ویژه‌اش را به

اطلاع از نظر اهل قلم نمایان ساخته و برخلاف دل مشغولی دینی، «سیری در نهج البلاغه» را با تکیه بر نظر اهل فن و ادبیات^۲ پربار ساخته است. نویسنده در همین راستا فارغ از جهت‌گیری دینی و یا مذهبی، از سخنان فرهیختگان و صاحب‌نظران اهل سنت و پیروان مسیحیت بهره‌مند شده و روش پژوهشی کم نظیر خود را در مقام مرد دین و باورهای اسلامی به رخ پژوهشگران معاصر کشیده و تهی از تعصب و هواداری مذهبی جملات ناب اهل نظر را دریافته و به منظور اطلاع رسانی به مخاطب «سیری در نهج البلاغه» گردآوری نموده است.

هرچند نویسنده بر اظهار نظر معاصران متوقف نمانده و با ذکر مطالبی از ادیبان قرن‌های دوم تا هشتم هجری نه تنها مهارت خود را در برخورداری از تاریخ ادبیات عربی به نمایش نهاده؛ بلکه با نگاهی به افراد مورد نظر وی، می‌توان دریافت که نویسنده به اصناف ادیبان اعم از نویسنده و شاعر و زبان شناس و ناقد متون ادبی نظر داشته و در تأیید ویژگی‌های بی نظیر کلام مولای متقیان زوایای مختلف ادبی را بر آن گشوده و به روش غیر مستقیم پژوهشگران را به بررسی سخنان مولای متقیان با استفاده از علوم گوناگون ادبیات فرا خوانده است.

استاد (ره) در «سیری در نهج البلاغه» به عنوان پژوهشگر متون دینی ضمن بررسی نهج البلاغه، به دسته بندی مطالب پرداخته و ذیل هر عنوان به جملات و عبارت‌هایی توجه کرده و به شرح سخن مولای متقیان (ع) راه برده و صفت بررسی متن را به زبان اصلی که یکی از صفات پژوهشگر متون به زبان دوم است، رعایت نموده و ویژگی پژوهشگر ادبی را حفظ کرده است.

۵-۵ - بهره مندی از فن نگارش داستان در «داستان راستان»

داستان یا Novel اثری منثور است که مبتنی بر جعل و خیال Fiction باشد. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۷۹) آن عبارت از ارتباط منطقی میان شخصیت‌ها و حوادث است، چنان که خواننده در درک روابط اشخاص و رویدادهای جاری در داستان دچار سردرگمی نمی‌شود و توانایی تحلیل درست آن روابط را دارد. به عبارت دیگر حوادث داستان در نظرش مخالف عقل و منطق نباشد. (خفاجی، ۱۹۹۰: ۲۰۰) البته داستان‌نویسی تنها ذکر حوادث و شخصیت‌ها نیست؛ بلکه شیوه‌ای کاملاً هنری است که نویسنده با امتزاج فنی واقعیت و تخیل دنیایی از گفتگوها، شادی، غم‌ها و احساسات را در برابر دیدگان مخاطب خود به نمایش می‌گذارد و از همین روست که از داستان به عنوان «هنر ارتباط با جهان پیرامون» یاد کرده‌اند. (بهشتی، ۱۳۷۵: ۱۱)

داستان نویسی به عنوان شاخه‌ای از ادبیات نگارشی دارای جایگاهی شایسته در میان ادیبان معاصر است. ادبیات داستانی شامل آثاری منثور است که با لحنی دلنشین و با ساختاری عالی بر اساس سلیقه مردم عصر خود شکل گرفته است. هرچند روایت داستان از ژرفای تاریخ برآمده، اما صاحب نظران، پیدایش داستان جدید را به قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی نسبت می‌دهند. گویا انسان مدرن درصدد نشان دادن واقعیت‌های جامعه و تحولات آن در داستان خویش است. (علقم، ۲۰۰۶: ۲۴)

در بیان انواع داستان‌ها می‌توان از «داستان‌های تاریخی» یاد کرد. موضوع سخن در این داستان‌ها رویدادها و شخصیت‌های مهم تاریخی‌اند. البته گاهی شخصیت‌ها واقعی نیستند و نویسنده با هنرمندی و دقت خود آنان را می‌آفریند، چنان که خواننده به تخیلی بودن‌شان پی نمی‌برد. با این حال نویسنده داستان‌های تاریخی اغلب برخوردار از داده‌های تاریخ و بهره‌مند از مهارت نگارش داستان درس‌های خشک تاریخی را ژرفا می‌بخشد و رویدادهای واقعی را در صورتی دلنشین و خواندنی به خواننده ارائه می‌نماید. (غفاری، ۱۳۷۹: ۴۱)

با آن که کتاب‌های سودمندی که داستان زندگی شخصیت‌های بزرگ را بیان کرده‌اند، از شمار بیروند، اما آثاری که مؤلف آن‌ها را به منظور هدایت و ارشاد و تهذیب اخلاق عمومی در شکل داستان‌هایی سودمند به تحریر کشیده و رویدادهایش را از

^۲ اعم از ابن ابی الحدید(۶۵۵ق)، سید رضی(۳۵۹ق)، شیخ محمد عبده(۱۸۴۹-۱۹۰۵م)، طه حسین(۱۸۸۹-۱۹۷۳م)، شکیب ارسلان(۱۸۶۹-

۱۹۴۶م)، میخائیل نعیمه(۱۸۸۹م). (الفاخوری، بی تا: ۳۶۷)

متون تاریخی و حدیث معصوم استخراج کرده و در دسترس عموم قرار داده‌اند، کمترند. از همین رو توجه استاد (ره) به کارکرد داستان در بازنویسی رویدادهای تاریخ اسلام شایان دقتی مضاعف است.

۵-۵-۱- ویژگی‌های داستان راستان

داستان راستان کتابی اخلاقی و تربیتی در شکل روایت است. آن شامل داستان‌هایی خیالی نیست؛ بلکه دربردارنده داستان‌هایی واقعی است که در اخبار و احادیث و یا کتاب‌های تاریخ و زندگینامه و شرح احوال ثبت شده است. از همین رو متن کتاب از حدود متن مآخذی که از آن‌ها نقل شده، فراتر نرفته و نگارنده چیزی را از خیال خود بر اصل داستان نیافزوده و یا از آن کم نکرده است. با آن که نقطه شروع و خط سیر داستان‌ها اغلب با آن چه در مآخذ آمده، فرق دارد و طرز بیان رویداد متفاوت است، اما اگر خواننده به مآخذ مراجعه کند، می‌بیند که آن تصرفات به روشی انجام شده که در حقیقت حادثه تغییر و تبدیلی صورت نگرفته و فقط روایت را مطبوع و شنیدنی‌تر کرده است. نویسنده در مقدمه داستان راستان می‌گوید: «کتاب باید خواننده را وادار به تفکر کند و قوه فکری او را برانگیزد. فکری که باید از دوش خواننده برداشته شود، فکر در معنای جمله‌ها و عبارات است. از این نظر تا حدی که وقت و فرصت اجازه می‌دهد، کوشش شده که عبارات روان و مفهوم باشد، اما آن فکری که باید به عهده خواننده گذاشته شود، فکر در نتیجه است. هر مطلبی را که خود خواننده درباره آن اندیشه نکند و از فکر خود چیزی بر آن نیافزاید، با روحش آمیخته نمی‌گردد و در دلش نفوذ نمی‌کند و در عملش اثر نمی‌بخشد.» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸)

۵-۵-۱-۱- نمونه‌هایی از داستان راستان

جلد نخست این کتاب شامل هفتاد و پنج داستان است و جلد دوم پنجاه داستان را دربر دارد. «در بزم خلیفه» بیست و دومین داستان جلد نخست است و در ۴ صفحه نگارش یافته است. نویسنده در آن به شرح ماجرای دستگیری امام هادی (ع) توسط متوکل عباسی می‌پردازد و سپس ابیاتی را از حضرتش نقل می‌نماید که مفاهیم آن‌ها حکمت آمیز بوده و امام (ع) آن‌ها را در برابر خلیفه ی عباسی به اعتبار یکی از عموم مردم قرائت فرمود تا نه تنها در بیان پند و موعظه؛ بلکه در راستای کاربرد شعر حکمت آمیز در مسیر هدایت و تهذیب اخلاقی و ایفاد پیام والای انسانی مؤثر افتد.

«هشام و فرزدق» سی و ششمین داستان در جلد اول کتاب است که در چهار صفحه نگارش یافته است. نام فرزدق هم‌نام یا هم‌نام و کنیه‌اش ابوفراس بود. او در ۱۱۰ و یا ۱۱۴ ق در بصره وفات یافت. (ظهیری، ۱۳۷۷: ج ۲: ۲۸۱) و نویسنده در این داستان به شرح ماجرای که در حضور خلیفه اموی در مراسم حج روی داد و به سرودن میمیه‌ای توسط شاعر پرآوازه عصر اموی در تقدیر و بزرگداشت از امام سجاد (ع) انجامید، می‌پردازد.^۳ (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۱۳-۱۱۶) استاد (ره) با انتخاب این داستان از شعر سیاسی به عنوان وسیله‌ای ارزشمند در بیان حقایق و ارزش‌های انسانی یاد کرده و از رسالت شاعران در برابر جامعه سخن به میان می‌آورد. او با انتخاب میمیه فرزدق به اشعار پایدار و ماندگار اشاره کرده و نمونه‌ای دیگر از شعر متعهد را معرفی می‌نماید.

^۳ نخستین ابیات این میمیه ی مشهور فرزدق چنین است:

و البیت يعرفه و الحل و الحرم	هذا الذی تعرف البطحاء وطأته
هذا التقی النقی الطاهر العلم	هذا ابن خیر عباد الله کلهم
العرب تعرف من انکرت و العجم	و لیس قولک من هذا بضائره

«یک دشنام» چهل و نهمین داستان جلد اول است و در چهار صفحه به نگارش رسیده است. نویسنده در این داستان دسیسه قتل عبدالله بن مقفع، دانشمند و نویسنده معروف ایرانی را توسط سفیان بن معاویه مهلبی، فرماندار بصره شرح می دهد. (همان: ۱۴۳-۱۴۶) ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ق) فرهنگ ایرانی را با فرهنگ عربی و یونانی و هندی گرد آورده و به ایرانیان، سخت دلبستگی داشت. او می کوشید تا با نشر آداب و سیاست و تاریخ ایران قوم خود را زنده سازد. معایب نظام اجتماعی زمان خود را می دید و تلاش می نمود تا با رواج نظام اجتماعی ایرانی به اصلاح شان بپردازد. وی از شخصیت های بزرگ و چهره های درخشان علمی و ادبی و از مفاخر تمدن کهن ایران و اسلام به شمار می آید و بی تردید باید او را کاتبی توانا و مترجمی زبردست و پیشتاز و از مشاهیر علم و ادبیات عهد اموی و صدر عباسی دانست که آثارش در ادبیات عربی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (ضیف، ۱۹۶۶م: ۵۰۷) از آن جا که وی از نژادی ایرانی و آشنای به زبان و فرهنگ فارسی بود، همان قدر در ادبیات فارسی منزلت دارد. استاد (ره) در این داستان از عبد الله بن مقفع ادیب معروف عصر عباسی نام برده و با اشاره به سرانجام دردناک وی، با شرح فقدان عفت کلامش به ناکافی بودن منزلت ادبی وی راه برده است.

«شمشیر زبان» پنجاهمین داستان جلد اول است و در دو صفحه نگارش یافته است. نویسنده آن را با معرفی ابن رومی شاعر آغاز کرده و به ماجرای مسموم نمودنش توسط قاسم بن عبیدالله وزیر المعتضد عباسی می پردازد. (همان: ۱۴۷-۱۴۸) او علی بن العباس بن جریج یونانی تبار بوده و در ۲۲۱ق از مادری فارسی زاده شد و در اشعارش به تبار رومی و نسبت فارسی خویش افتخار می نمود. (ضیف، ۱۹۷۳م: ۲۹۶)

استاد(ره) در این داستان با ذکر سرانجام شوم شاعر بار دیگر از ناکافی بودن منزلت ادبی فرد یاد کرده و کاربرد غرض هجو را به منزله تهدیدی سیاسی و باعث حذف شاعر نشان داده تا دامنه نفوذ اشعار را در کارسازی یا ناکارآمدی تعاملات اجتماعی هویدا سازد. در واقع نویسنده در دو داستان اخیر، اعمال قدرت سیاسی را در حذف ادیبانی که از ابزار ادبیات به گونه ای نابجا استفاده کرده اند، ذکر نموده و بهانه سیاستمداران را در برخورد با ادیبان، با قرار دادن هجو ناصواب نمایان ساخته است.

«دانشجوی بزرگسال» شصت و ششمین داستان جلد اول کتاب است که در سه صفحه نگارش یافته است. نویسنده در آن به شرح ماجرای روی آوردن سکاکی آهنگر به آموختن علم و ادبیات در سال های میانسالی و پیشرفتش در ادبیات و ارتقاء علمی اش تا مرتبه صاحب نظری ادبی می پردازد. (همان: ۱۸۵-۱۸۷) سراج الدین ابو یعقوب یوسف بن محمد بن علی معروف به سکاکی در سال ۵۵۵ ق در خوارزم متولد شد. او تألیفات بسیاری دارد و مهمترین آن «مفتاح العلوم» است. صاحب «معجم الادباء» در موردش می گوید: «او یکی از افاضل روزگار است و شهرتش همه جا فراگیر است.» (حموی، ۱۹۸۰، ج ۲: ۵۹) استاد(ره) در این داستان به رویداد زندگی سکاکی به عنوان دانشمندی در علوم ادبیات عربی پرداخته است و با اشاره به سخت کوشی فردی میانسال در تحصیل علم، توجه خواننده را به تیز نگری ادیبی که در شماره افراد به ظاهر کندذهن قرار می گرفت، خاطر نشان می سازد و از ارتقای بهره هوش اکتسابی نویسنده «مفتاح العلوم» در دوران میانسالی به عنوان نمونه ای شایان ذکر یاد می کند تا از مفهوم عبارت گران بهای «العلم فی الصغر کانقش فی الحجر» به بیان ارزشمند «طلب العلم فریضة علی کل حال» راه یابد. گویا وی با فراخوانی سکاکی به این اصل مهم اشاره دارد که قلب انسان توانایی غیرمعمّینی در فراگیری نور دانش دارد.

«ابو اسحاق الصابی» هفتادمین داستان جلد اول کتاب است و در دو صفحه نگارش یافته است. نویسنده در آن به بیان رابطه دوستانه وی با سید رضی می پردازد. ابراهیم بن هلال بن هارون ملقب به الصابی، ادیب عرب تبار، کاتب و نویسنده و در بلاغت و شعر مشهور بود. او در سال ۳۱۳ ق در حران یکی از شهرهای بغداد متولد شد. وی کاتب دارالخلافه بغداد و منشی حکومت آل بویه بود. الصابی در ۳۴۹ ق سرپرست دیوان رسائل، سرپرست نویسندگان امپراتوری اسلامی بغداد شد. او مسلمان نبود، اما با مسلمانان دعا می خواند و قرآن را به بهترین شکل حفظ بود و در نوشته هایش آیات قرآنی را به کار می برد. (آباد، - ۱۳۸۶ش: ۱۱۹)

نویسنده در این داستان به رابطه سید رضی و ابواسحاق صابی به عنوان دو دانشمندان عصر عباسی اشاره می کند تا توجه خواننده را به رابطه دوستانه و بدور از تعصب علمی دو دانشمند اهل دو آیین متفاوت جلب نماید. زیرا وی معتقد بود که «این

روایت‌ها زمینه وسعت دید و بلند نظری و تعصب نداشتن مسلمین را در فراگرفتن علوم و معارف از غیرمسلمانان فراهم کرد و به اصطلاح در مسلمانان روح تساهل و تسامح و عدم تعصب را در مقام فراگیری و علم آموزی به وجود آورد. از این رو مسلمانان اهمیت نمی‌دادند که علوم را از دست چه کسی می‌گیرند و به وسیله چه اشخاصی ترجمه و نقل می‌شود و به دست آن‌ها می‌رسد...» (مطهری، ۱۳۵۷ش: ۴۴۷)

۵-۱-۲- رویکرد استاد مطهری(ره) در داستان های منتخب

مطهری (ره) به عنوان اندیشمندی که اغلب در علوم و معارف اسلامی قلم فرسوده، مجموعه داستان راستان را برای مخاطبانی به قلم تحریر کشیده که عموماً در سنین نوجوانی بسر می‌برند. او با استفاده از عناصر داستان در روایت رویدادهایی تاریخی در صدد برآمد تا به نیاز فکری مخاطبانی پاسخ گوید که اغلب در شمار مخاطبان نویسندگان حرفه‌ای معارف اسلامی در ایفاد مضامین غیر آموزشی قرار نمی‌گیرند. افزون بر آن که وی با فراستی ستودنی داستان‌هایی را در ضمن این مجموعه قرار داده که مخاطبان را نرم نرم سوی اندیشه پژوهشی و ناب نویسنده سوق می‌دهد. از همین رو می‌توان از رویکرد نویسنده به نقش مؤثر شعر سیاسی که باعث احیاء ارزش‌های اسلامی می‌گردد و در میمیه فرزدق رخ نموده، سخن به میان آورد و یا از سرنوشت ابن مقفع و ابن رومی در جستجوی بهانه سیاسی برای حذف ادیب یاد کرد. هرچند نویسنده این مجموعه داستانی به شعر سیاسی و کارآیی و ناکارآمد بودنش بسنده نکرده و با بیان داستان امام هادی(ع) به نقش مؤثر شعر حکمت آمیز در تغییر فضای ناسالم جماعت حاکم راه برده است.

استاد (ره) با ذکر داستان دوستی شریف رضی و الصابی و روایت سوگ سروده اندیشمندی شیعی در رثاء غیر هم کیش خود نه تنها اندیشه مرادفات ناب علمی را که شائبه تعصب را بر نمی‌تابد، بیان داشته؛ بلکه از تنگ چشمی خود ساخته برخی عالمان عبور می‌نماید تا مخاطب نواندیش تنگ نظری افراد موجه را به حساب کومه فکری دین نهد. شایان ذکر است که استاد (ره) به عنوان نویسنده‌ای که آثار پر شماری را در علوم اسلامی بر جای نهاده، برخوردار از فن سخنوری و مطلع از فن نگارش آثار علمی و فلسفی، از روش نگارش داستان کوتاه در بازنویسی رویدادهای تاریخی آگاهی داشته و با توجه به ذائقه‌ی پرشتاب مخاطب نوجوان از مهارت داستان کوتاه استفاده کرده تا نیاز پرورشی این گروه سنی را از راه بیان رویدادهای واقعی به روش داستانی برآورد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

استاد مطهری(ره) در مقام اندیشمندی که آموزه‌های دین مبین را دستمایه کار خویش قرار داده، مطلع از دغدغه‌های فکری معاصر و بهره‌مند از سخت کوشی علمی، شیوه‌ای کارآمد در کار پژوهش‌های دینی برجای نهاد که قاعده آن تهی از تعصب، با انصاف علمی متقن گشته است. از همین رو وی به عنوان پژوهشگری ممتاز در حوزه معارف دینی شناخته می‌شود، اما با نگاهی به «خدمات متقابل»، «سیری در نهج البلاغه»، «حماسه حسینی»، «داستان راستان» می‌توان به رویکرد ادبی استاد (ره) نیز دست یافت.

به نظر می‌رسد، استاد(ره) در «خدمات متقابل»، حرکتی را که با رویکرد جامعه شناختی در بیان رابطه اسلام و ملیت شکل داد، با نکته‌پردازی دینی در معرفی منبع علمی - ادبی فکر ناب اسلامی در «سیری در نهج البلاغه» همراه نمود و در پالایشی علمی و ادبی در «حماسه حسینی» هویدا ساخت. شاید از همین روست که استاد (ره) با خطر پذیری انتقاد از پاره‌ای از رسوم ناصواب ایام محرم در جامعه کاملاً سنتی ایران سال ۵۰ ش به موشکافی داده‌های ادبیاتی می‌پردازد که در خدمت تبلیغ اهداف حماسه‌ی باشکوه کربلاء قرار گرفته است.

با این حال همت وی بر این خط سیر پژوهشی متوقف نماند و با بهره‌مندی از فن نگارش داستان کوتاه و داستانتک به بازنویسی رویدادهای معتنابه تاریخی در مجموعه «داستان راستان» راه برد تا روش خردورزی خویش را در پژوهش‌های اسلامی ارمغان نسل نو قرار دهد. از این رو می‌توان رویکرد ادبی استاد(ره) را در خط سیری معین، رو به جلو و در صعود بر محور پژوهش

های اسلامی ترسیم کرد و از کارکرد تاریخ نگاری ادبی در ارائه اطلاعات، نقد ادبی در بیان آراء و نظرات اهل اندیشه و پالایش داده های غیر علمی و تردید آمیز و فن داستان نویسی در بیان رویدادهای تاریخی سخن گفت.

منابع

- آباد، مرضیه، (۱۳۸۶)، تاریخ الادب العربی فی العصر العباسی (۲)، چاپ اول، تهران، سمت.
- بهشتی، الهه، (۱۳۷۵)، عوامل داستان، چاپ اول، تهران، برگ.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، نهج الفصاحه - مجموعه سخنان و خطبه های رسول اکرم (ص)، قم، پرهیزگار
- حجتی، سیدمحمد باقر و قاسم بستانی، (۱۳۸۲)، معنا شناسی کلمه زندیق در فرهنگ اسلامی، اصفهان، مجله علمی و پژوهشی ادبیات و علوم انسانی دوره دوم، شماره ۳۲-۳۳.
- حموی، یاقوت، (۱۹۸۰)، معجم الادب، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر.
- خفاجی، محمد عبدالمنعم، (۱۹۹۰)، الادب العربی و تاریخه، بیروت، دار الجیل
- شجاعپوریان، ولی الله، (۱۳۷۶)، اخلاق و حکمت در شعر متنبی، اهواز، دانشگاه چمران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، انواع ادبی، چاپ اول، تهران، باغ آیین.
- ضیف، شوقی، (۱۹۵۵)، الرثاء، چاپ چهارم، مصر، دارالمعارف.
- ، ، (۱۹۶۶)، العصر العباسی الاول، چاپ سوم، مصر، دارالمعارف.
- ، ، (۱۹۷۳)، العصر العباسی الثانی، مصر، دارالمعارف
- ظہیری، عباس، (۱۳۷۷)، تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن کریم به ضمیمه قصیده میمیه فرزندق، قم، حوزه علمی
- علقم، صبحه، (۲۰۰۶)، تداخل الاجناس الادبیة فی الروایه العربیة، چاپ اول، بیروت، الموسسه العربی للدراسات و النشر.
- غفاری، سعید، (۱۳۷۹)، گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران، دبیزش
- الفاخوری، حنا، بی تا، الجامع فی تاریخ الادب العربی، بیروت، دارالجیل
- مظاہری، محسن حسام، (۱۳۸۷)، رساله شیعه، تهران، بین الملل
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ نهم، قم، صدرا.
- ، ، (۱۳۹۰)، سیری در نهج البلاغه، چاپ چهل و هشتم، تهران، صدرا.
- ، ، (۱۳۷۰)، حماسه حسینی، چاپ هفدهم، تهران، صدرا.
- ، ، (۱۳۷۴)، داستان راستان، چاپ بیست و دوم، تهران، صدرا.
- وندل، دی هریس، (۱۳۷۴)، تاریخ ادب چیست؟، ترجمه علی ملا محمد جان، مجله شعر، شماره ۱۹